

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO



﴿قواعد درس پنجم﴾ : «هذا خلقُ اللَّهِ»

۲- جمله‌ی اسمیه

۱- جمله‌ی فعلیه

□□ جمله در زبان عربی به دو شکل دیده می‌شود :

(۱) جمله فعلیه : به جمله‌ای که با هرنوع فعل (ماضی - مضارع - أمر - نهی و...) شروع شود و دارای دو رکن اصلی؛ ۱- فعل ۲- فاعل باشد، «جمله فعلیه» گفته می‌شود.

(۱) فعل : کلمه‌ایست که انجام دادن کاری و یا روی دادن حالتی را در زمان مشخصی به ما نشان می‌دهد. (همانطور که گفته شد؛ ماضی - مضارع - أمر)

(۲) فاعل : کلمه‌ای که انجام دهنده و کننده کار است و برای یافتن آن در جمله باید از دو سوال «چه کسی؟» و «چه چیزی؟» استفاده شود.

* جایگاه «فعل» همواره بعد از فعل بوده (ممکن است بلافاصله بعد از فعل و ممکن با فاصله از فعل)

و علامت آن همواره «مرفوع» با «ال» بدون «ال» / «ان» در اسم مشتّ / «ون» در جمع مذکور سالم می‌باشد. مثال :

- لا يَسْكَاسِلُ الطَّالِبُ التَّلَمِيذُ فِي قِرَاءَةِ دروسِه. (الطالب؛ فعل و مرفوع) - يَذْهَبُ الطَّالِبُ إِلَى المَدْرَسَةِ. (الطالب؛ فعل و مرفوع)

انواع فعل در زبان عربی :

(۱) اسم ظاهر : به اسمی که همواره بعد از فعل، به عنوان انجام دهنده و کننده کار به صورت نمایان دیده می‌شود، فعل از نوع «اسم ظاهر» گفته می‌شود. که فقط در صیغه‌های ۱ و ۴ همه‌ی فعلها عموماً فعل از نوع «اسم ظاهر» می‌باشد.

(به هر اسمی به غیر از «ضمیر») [اسم‌های اشاره - اسم‌های عام و یا خاص - اسم‌های موصول و ...]. مثال :

- يَجْتَهِدُ عَلَىٰ فِي دروسِه : (علىٰ : فعل از نوع اسم ظاهر) (المؤمنُ : فعل از نوع اسم ظاهر)

- ذَقَبَتْ هَذِهِ التَّلَمِيذَةُ إِلَى الْبَيْتِ : (هذه : فعل از نوع اسم ظاهر)

(۲) ضمیر بارز (آشکار) : همان شناسه‌ها یا علامتهای موجود در فعلهای افعال دیده می‌شود.

مثال :

ت	ت	ت	-	-
ا	تُمَا	تُمَا	-	-
و	ن	ثُمَّ	ثُنَّ	نَا

﴿الف﴾ در فعل ماضی : به جز صیغه‌های ۱ و ۴ (للغائب و للغائبة) عبارتند از :

- أَئُلَّا الطُّلَابُ ! نَجَحْتُمْ فِي إِمْتَحَانَاتُكُمْ : (فاعل : ضمیر بارز «تم» در فعل «نجحتُمْ»)

- هُمْ عَبْدُوا اللَّهَ بِالْأَخْلَاقِ : (فاعل : ضمیر بارز «واو» در فعل «عبدوا»)

﴿ب﴾ در فعل «مضارع» و متعلقاتش (آنچه که از مضارع ساخته می‌شود) :

مثال :

ي	-	-	-
ا	ا	ا	ا
و	ن	و	ن

به جز صیغه‌های ۱ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ بقیه صیغه‌ها عبارتند از :

- الْمُسْلِمُونَ يَجْمِعُونَ فِي الْمَسْجِدِ : (فاعل : ضمیر بارز «واو» در فعل «يجمعونَ»)

- الطَّالِبَاتِ يَكْبِنَ دُرُوسَهُنَّ بِدَقَّةٍ : (فاعل : ضمیر بارز «نون» در فعل «يكتبنَ»)

(۳) ضمیر مستتر (پنهان) : فعل در دو حالت از نوع مستتر است :

﴿الف﴾ صیغه‌های ۱ و ۴ در همه‌ی افعال (ماضی - مضارع و...)، به شرطی که فاعلشان اسم ظاهر نباشد، فعل از نوع «ضمیر مستتر» خواهد بود. (جائز الإستثار)

يعني در صیغه‌ی ۱ همه‌ی فعلها؛ «هوَ مستتر» و در صیغه‌ی ۴ همه‌ی فعلها؛ «هيَ مستتر» می‌باشد.

﴿ل﴾ لازم به ذکر است که در این صیغه‌ها اولیّت نوع فعل با «اسم ظاهر» است. و در صورت عدم وجود فعل از نوع اسم ظاهر، فعل «مستتر» می‌باشد. مثال:

- الطَّالِبُ كَتَبَ (يكتب) الدَّرْسَ : (فاعل : ضمیر مستتر «هوَ») - الطَّالِبَةُ كَتَبَتْ (تكتب) الدَّرْسَ : (فاعل : ضمیر مستتر «هيَ»)

﴿ب﴾ در صیغه‌های ۷ و ۱۳ و ۱۴ مضارع و متعلقاتش «قطعًا» فعل از نوع «مستتر» می‌باشد. (واجب الإستثار). مثال :

- أَكْتُبُ دُرُوسِيَ فِي الْمَدْرَسَةِ : (فاعل : ضمیر مستتر «أنت») - أَيُّهَا الطَّالِبُ ! تَجْتَهِدُ فِي دروسِكَ : (فاعل : ضمیر مستتر «أنا»)

۴ اصل (﴿﴾) بسیار مهم در جمله فعلیه :

- ۱) هر فعل در زبان عربی **فقط یک فاعل** دارد و بس.
- ۲) جایگاه فاعل در جمله **همواره بعد از فعل** می‌باشد. (بدون فاصله از فعل یا با فاصله از آن)
- ۳) فعل **باید** از نظر « جنس » از فاعل خود تبعیت کند.
- ۴) در فعل‌های مجھول « نائب فاعل » برای فعل مجھول و در افعال ناقصه « اسم فعل ناقصه » برای فعل ناقصه دقیقاً در حکم « **فاعل** » برای فعل معلوم و تمام می‌باشند و همه‌ی احکام و قواعد آن‌ها مانند فاعل می‌باشد. (اسم ظاهر و ضمیر بارز و ضمیر مستتر)

نکته ۱ : هرگاه فاعل جمله از نوع اسم ظاهر باشد، « فعل جمله » به صورت مفرد می‌آید که در این حالت فقط فعل جمله از نظر « جنس » با فاعل خود مطابقت دارد. [در ۶ صیغه غائب (ماضی و مضارع و متعلقاتش) **اگر** فاعل جمله از نوع « اسم ظاهر » باشد، فعل اول جمله باید مفرد بیاید.] مثال :

- اجتہدت الطالب فی دروسه.
- اجتہدت الطالبان فی دروسه‌ما.
- اجتہدت الطالبات فی دروسه‌هنّ.

۳) مفعول به : در جملاتی که فعل آنها **متعدی** است (گذراست) یک اسم منصوب؛ (بِالْأَلِـ / بِـالِـ / « ین » در اسم مثنی / « ین » در جمع مذکور سالم) که **معمولًاً بعد از فاعل** می‌آید و انجام کار توسط فاعل بر روی آن واقع می‌شود.

- * لازم به ذکر است که یکی از راههای به دست آوردن مفعول به در جمله مطرح کردن دو سوال « **چه کسی را؟** » و « **چه چیزی را؟** » می‌باشد. مثال :
- کتب الطالب التمارين فی البيت : (التمارين : مفعول به و منصوب) ؛ چه چیزی را نوشته؟ (تمارین را)
 - شاهد المعلم تلاميذه فی الصدق : (تلاميذه : مفعول به و منصوب) ؛ چه کسانی را مشاهده کرد؟ (دانشآموزان را)

انواع مفعول در زبان عربی :

۱) اسم ظاهر : به هر اسمی غیر از ضمیر مفعول به از نوع « اسم ظاهر » گفته می‌شود. (اسم اشاره - اسمی شرط - موصولات و...). مثال :

- يَقْرُرُ اللَّهُ جَمِيعُ الظُّنُوبِ : (جمیع : مفعول به و منصوب)

به آخر فعلها اضافه شوند (این ضمایر زائدند) همواره « **مفعول به** » می‌باشند.

ه	هـ	هـ	هـ
هـما	هـما	هـما	هـما
هـمـا	هـمـا	هـمـا	هـمـا
هـمـنـ	هـمـنـ	هـمـنـ	هـمـنـ

۲) **ضمیر** : اگر این ضمایر ؛

- نصرَكُمُ اللَّهُ..... : (ضمیر « کم » ؛ مفعول به)

در هر جای جمله بیایند، نقش « **مفعول به** » را دارند.

إِيَاهُ	إِيَاهَا	إِيَاهَ	إِيَاهَ
إِيَاهُمَا	إِيَاهُمَا	إِيَاهُمَا	إِيَاهُمَا
إِيَاهُنَّ	إِيَاهُنَّ	إِيَاهُنَّ	إِيَاهُنَّ
إِيَاهُمْ	إِيَاهُمْ	إِيَاهُمْ	إِيَاهُمْ

۳) **نکته ۲** : ضمایر ؛

- **إِيَاكَ** **نَبِدُ** : (ضمیر « إِيَاكَ » مفعول) : فقط تو را می‌پرسیم.

۲) جمله اسمیه : به جمله ای که با هر نوع اسمی شروع شود (ضمیر - اسم اشاره - اسم استفهامی - شرط موصول و...) « جمله اسمیه » گفته می شود، که دارای دو رکن « مبتدا » و « خبر » می باشد.

۱) مبتدا : اسمی است که غالباً شروع کنندهٔ جمله بوده و اعراب آن « مرفوع » / « ان » در اسم مثنی / « ون » در جمع مذکور سالم می باشد.

و نیاز دارد در مورد آن توضیحی داده شود. در ضمن غالباً معرفه است (مبتدا می تواند یک اسم عام یا خاص یا ضمیر و یا اسم اشاره و باشد). مثال :

- هذا التلميذ فی المدرسة : (هذا ; مبتدا) - هو يعلم الدروس : (هو ; مبتدا)

۲) خبر : کلمه یا عبارتی است که غالباً بعد از مبتدا می آید و در مورد مبتدا توضیح داده و در نهایت معنای جمله را کامل می کند و اعراب آن نیز « مرفوع » / « ان » در اسم مثنی / « ون » در جمع مذکور سالم می باشد. مثال :

- كلمات و عبارت « ناجح - يعلم » فی المدرسة در مثالهای بالا « خبر » محسوب می شوند.

أنواع خبر در جمله اسمیه :

۱) خبر مفرد : یک تک اسم است که معنای مبتدا و در نهایت جمله را کامل می کند. (این تک اسم می تواند ; مفرد - مثنی - جمع و مذکر و یا مؤنث باشد)

- أشجار الحديقة باسقة : (باسقة : خبر مفرد)

۲) خبر از نوع جمله :

الف) جمله فعلیه : اگر بعد از مبتدا یک فعل به همراه فاعل خود معنای فاعل را کامل کند، به مجموع آن فعل و فاعل، خبر از نوع « جمله فعلیه » گفته می شود.

- الظابitan نجحتا فی دروسهما : (نجحتا (خبر از نوع فعلیه)

ب) جمله اسمیه : اگر بعد از مبتدا یک جمله به عنوان خبر باید که خود دارای مبتدا و خبر باشد، به مجموع مبتدا و خبر دوام، خبر از نوع « جمله اسمیه » گفته می شود. (در خبر از نوع اسمیه همواره یک ضمیری [بارز یا مستتر] وجود دارد که مرجع آن مبتدای اوّل می باشد). مثال :

- الطالب قلبها ظاهر : (الطالبة ؛ مبتدا - قلبها ظاهر ؛ خبر از نوع اسمیه (قلبها + ظاهر : مبتدا + خبر)

- اللسان جرمها صغير : (اللسان ؛ مبتدا - جرمها صغیر ؛ خبر از نوع اسمیه (جرمها + صغیر : مبتدا + خبر)

۳) خبر از نوع شبه جمله : هرگاه بعد از مبتدای ترکیب « جار و مجرور » یا یک ظرف زمان یا مکان (قید زمان یا مکان) قرار گیرد و معنای مبتدای کامل کند، به آن ترکیب « جار و مجرور » « شبه جمله » گفته می شود. مثال :

- الطالب في المدرسة : (في المدرسة : خبر از نوع شبه جمله)

نکته ۳ : لازم به ذکر است که اولویت آمدن خبر در جمله اسمیه ؛ ۱- مفرد ۲- جمله فعلیه ۳- جمله اسمیه ۴- شبه جمله می باشد.

نکته ۴ : هرگاه خبر در جمله اسمیه از نوع شبه جمله باشد و مبتدای اسمی نکره باشد، باید خبر بر مبتدای خود مقدم خود شود، که در اینصورت به خبر « خبر مقدم » و به مبتدای « مبتدای مؤخر » می گویند.

اما اگر مبتدای اسمی معرفه باشد و خبر باز هم از نوع شبه جمله، می تواند مقدم شود و می تواند مقدم نشود. مثال :

- في المدرسة طالب : ✓ - طالب في المدرسة : ✗ - الطالب في المدرسة : ✓

نکته ۵ : هرگاه جمله با یک ترکیب جار و مجرور شروع شود و بعد از آن یک اسم نکره (بدون ال و بدون مضاف اليه) باید،

قطعان خبر « مقدم » بوده و مبتدای جمله « مؤخر » است. ولی اگر مبتدای معرفه باشد باید به ادامه‌ی جمله دقیق کنیم. در صورتی که ادامه‌ی جمله یک اسم مرفوع یا جمله (فعلیه - اسمیه) آمده باشد، اولویت برای تعیین خبر با این دو نوع می باشد. مثال :

- في المكتبة كتاب مفيد : (في المكتبة : خبر مقدم - كتاب : مبتدای مؤخر)

- في المكتبة الكتاب مفيد : (الكتاب : مبتدا - مفيد : خبر مفرد)

نکته ۶ : در جمله‌ی اسمیه یک مبتدا ممکن است چند خبر داشته باشد. مثال: **الله عَفُورٌ رَحِيمٌ : عَفُورٌ ؛ خبر ۱ - رَحِيمٌ ؛ خبر ۲**

نکته ۷ : هرگاه خبر جمله از نوع «**مفرد**» باشد، در صورتی که اسم بروزن های «**اسم فاعل و اسم مفعول**» باشد باید در «**جنس و تعداد**» با مبتدای خود مطابقت داشته باشد. ولی اگر بروزن این اسمی نبود، لزومی به مطابقت وجود ندارد.

- **الطالب ناجحة**: (تبعیت خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)

- **الطالبات ناجحان**: (تبعیت خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)

- **الطالبات ناجحات**: (تبعیت خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)

- **العلم علام**: (خبر مفرد، جامد است)

- **النبي رحمة للعالمين**: (خبر مفرد، جامد است)

- **الطالب ناجح**: (تبعیت خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)

- **الطالبات ناجحان**: (تبعیت خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)

- **الطالبات ناجحات**: (تبعیت خبر از مبتدا در نظر جنس و تعداد)

- **الغيبة حرام**: (خبر مفرد، جامد است)

نکته ۸ : اگر در جمله‌ی اسمیه خبر از نوع «**فعلیه**» باشد، باید در **صیغه (جنس و تعداد)** از مبتدای خود تبعیت کند. مثال:

- **الطالب تَنَجَحُ (نجحت)**: (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)

- **الطالبات تَنَجَحَانِ (نجحتاً)**: (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)

- **الطالبات تَنَجَحَاتِ (نجحنَ)**: (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)

- **الطالب يَنْجُحُ (نجح)**: (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)

- **الطالبات يَنْجَحَانِ (نجحاً)**: (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)

- **الطالبات يَنْجَحَاتِ (نجحنَ)**: (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)

نکته ۹ : گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و فاعل و مفعول، بعد از خودشان؛ صفت یا مضاف **الیه** می‌گیرند، یعنی خودشان **موصوف** یا مضاف

واقع می‌شوند. مثال:

- **صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ**: (**صدور**: مبتدا / **الأحرار**: مضاف **الیه** - **قبور**: خبر / **الأسرار**: مضاف **الیه**)

- **يَرْعُ الْفَلَاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التَّفَاقِ**: (**الفلاح**: فاعل / **المجد**: صفت - **أشجار**: مفعول / **التفاق**: مضاف **الیه**)

❖ فَنُّ التَّرْجِمَة :

اگر حروف «**أَنْ - كَيْ - لِ - حَتَّى**» بر سر فعل های **مضارع** بیایند، به صورت زیر ترجمه می‌شوند:

۱) «**أَنْ + فعل مضارع** = که، اینکه + مضارع التزامی»: مثال: **أَنْ يَغْفِرَ**: که / اینکه بیامرد.

۲) «**كَيْ - لِ - حَتَّى + فعل مضارع** = تا / تا اینکه / برای اینکه + مضارع التزامی»: مثال: **لِيَغْفِرَ**: تا / تا اینکه / برای اینکه بیامرد.

محل یادداشت نکات

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

